

## پرواز با بال‌های شکسته

گفت‌وگو با عکاس جانباز و عضو تیم ملی کوهنوردی  
جانبازان و معلولان کشور

۳

کدنویسی با ۹۸ درصد معلولیت

۵

چشمان باز جهت‌های ناپیدا

۶





ویژه نابینایان

احمد حسینی اشهرز



سمانه قنبری از هنرمندان تئاتر در نیشابور است و مقام‌هایی در این رشته کسب کرده است. وی اظهار می‌کند: مشکل معلولان فقط نبود جشنواره نیست، بلکه ما خودمان را قبول نداریم. خیلی از معلولان نمی‌دانند که باید خودشان را به دیگران معرفی و ثابت کنند. خودمان باید برای شناساندن توانایی‌هایمان به جامعه، اقدام کنیم.

وی ادامه می‌دهد: یکی از نیازهای اصلی جامعه هنری معلولان، شرکت در دوره‌های آموزشی تخصصی است؛ به عنوان نمونه در نیشابور کلاسی برای آموزش تئاتر وجود ندارد تا علاقه‌مندان از صفر آموزش ببینند.

اردلان تاج‌الدین، از فعالان هنر تئاتر استان بوشهر است که چندسالی است در مشهد به آموزش و ترویج هنر می‌پردازد. وی درباره اجرای طرح موهبت و راه‌اندازی جشنواره‌اولی پیشنهاد می‌کند: بهتر است براساس طرحی مدون و هدفمند پیش برویم و اگر قرار است این طرح ادامه پیدا کند، حتماً اتاق فکری برای آن داشته باشیم.

### ● برنامه‌های مقطعی باعث دل‌شکستگی می‌شود

حسین احمدیان از شهرستان نیشابور میهمان این جلسه است. او که از کودکی در حوزه موسیقی مقامی و معماری اسلامی فعالیت کرده است، می‌گوید: دیدیم که در حوزه‌های فراوانی، برنامه‌ریزی‌های خوبی برای معلولان انجام شد، اما بعد از مدت کوتاهی این برنامه‌ها تعطیل شد و هرگز به ثمر نرسید. این ایجاد انگیزه‌های مقطعی و به نتیجه نرسیدن هدف‌ها باعث دل‌شکستگی و رنجش فرد معلول می‌شود؛ به همین دلیل از ۲۰ سال پیش در هیچ جشنواره و مسابقه‌ای شرکت نکرده‌ام.

وی ادامه می‌دهد: خواهش من این است دلی را که معلولیت دارد، نشکنیم و اگر برنامه‌ای خوب است، همه توان خود را برای اجرایی شدن آن به کار بگیریم.

راستگو، از دیگر میهمانان این نشست که به نمایندگی از معلولان هنر موسیقی شهرستان چناران در جلسه حضور یافته است، نیز می‌گوید: موسیقی از هنرهایی است که برای هر فرد هزینه زیادی در بر دارد و خیلی‌ها به دلیل مشکلات مالی، شاید هرگز نتوانند به آرزوی خود در این حوزه برسند، همه این‌ها در حالی است که امکانات شهرستان‌ها در حد صفر است.

وی ادامه می‌دهد: فرایند آموزش موسیقی هم بسیار فرسایشی است. معلولان دوست دارند کار هنری انجام بدهند اما وقتی شرایط مهیا نیست، نمی‌توانند کاری بکنند. امیدوارم این موهبت، انگیزه و نقطه شروع خوبی برای معلولان باشد.

### ● کاهش رقابت بین افراد معلول و سالم باشد

کوثر بیات به نمایندگی از جامعه شاعران و نویسندگان معلول شهرستان نیشابور در این جلسه حاضر شده است. وی با اشاره به اینکه از سال‌های پیش دیدگاه مردم درباره معلولان تغییر کرده است، می‌گوید: باید تلاش کنیم تا دیدگاه مسئولان را درباره خودمان تغییر بدهیم.

وی می‌افزاید: سال گذشته جشنواره‌ای برای معلولان برگزار شد و من آرزو داشتم که آن رقابت بین افراد سالم و افراد معلول برگزار می‌شد تا افراد عادی بدانند که معلولان هم توانایی‌های زیادی دارند که دیده نمی‌شود.

### ● هزینه برخی رشته‌های هنری، گران است

لیلا مهر، نماینده هنرمندان نقاش معلول، نیز می‌گوید: یکی از مشکلات بزرگ معلولانی که به هنر نقاشی علاقه‌مند هستند، تهیه هزینه ابزارها و امکانات است، حتی بسیاری از آن‌ها توانایی پرداخت شهریه کلاس‌های نقاشی را ندارند؛ به همین دلیل تعداد کسانی که به سمت این رشته می‌آیند، کم هستند. کاش می‌شد برای به میدان آوردن آن‌ها کاری کرد!

### ● کارشناسان در کنار معلولان بمانند

در ادامه مهین دخت مظفر جلالی که از کارشناسان تازه‌بازنشسته معاونت است، در ادامه این جلسه می‌گوید: هنر تاثیر زیادی بر توان بخشی معلولان می‌گذارد اما کارشناسان هم باید در کنار معلولان باشند؛ به‌ویژه آن‌هایی که دوره‌های توان بخشی را گذرانده‌اند. وی تأکید می‌کند: در همه این سلسله‌هایی که از شروع خدمت می‌گذرد، شاهد بوده‌ام که تغییرات زیادی در جامعه برای پذیرش معلولان صورت گرفته و تلاش‌ها برای آشنا کردن افراد سالم با وضعیت معلولان به نتایج خوبی رسیده است.

## طرحی که قرار است به لطف آن همه هنرمندان به میدان بیایند

# «موهبت» هنر در معلولیت

مهم نیست چه معلولیتی دارند؛ روی ویلچر نشسته‌اند، ناشنوا هستند یا بینایی ندارند، ولی می‌دانند هنرمند که باشی، هیچ حدودمرزی نخواهی داشت. هنر قدرت پنهانی دارد که با آن می‌توانی سرپا بایستی و کنار آدم‌های سالم دیده شوی. آن وقت صدایت می‌زنند نقاش، بازیگر یا موسیقی‌دان نه چیز دیگر. قبل از شروع جلسه چند نفر آمده‌اند. منتظر می‌مانند که غیرمشهدی‌ها هم خودشان را برسانند. هرکدام معلولیتی دارند اما وقتی خودشان را با هنرشان معرفی می‌کنند، ناتوانی‌هایشان را فراموش می‌کنم. تقریباً همه همدیگر را می‌شناسند. بانگیزه و پرنرژ دربارۀ کارهایشان حرف می‌زنند و معلوم است آن‌قدر با هنرشان مشغولند که معلولیت، اولویت چندم زندگی آن‌هاست. موضوع نشست، اجرای طرح «موهبت» است که به پیشنهاد بهزیستی و با هدف استعدادیابی افراد معلول و هنرمند، راه‌اندازی خواهد شد. تعدادی از آن‌ها به نمایندگی از جامعه معلولان در این جلسه حاضر هستند.



تکنم جاوید

### ● فعالیت‌های هنری را از انحصار خارج می‌کنیم

مسعود فیروزی، معاون توان بخشی اداره کل بهزیستی خراسان رضوی، در ابتدای جلسه با اشاره به اهمیت توان بخشی می‌گوید: در حوزه توان بخشی به دو موضوع بسیار اعتقاد داریم؛ یکی هنر است و دیگری ورزش و البته از نظر ما هنر اهمیت بیشتری دارد. برنامه‌ریزی‌ها و تلاش‌های ما برای ترویج هنر نیز در همین راستاست؛ به عنوان نمونه ما ممتکر بسیاری از برنامه‌هایی بودیم که برای اولین بار در کشور اجرا شد یا بسیاری از برنامه‌های کشوری را اجرا کردیم. وی ادامه می‌دهد: معتقدیم که توانمندسازی افراد دارای معلولیت در بستری بر پایه عزت‌نفس، اعتمادبه‌نفس و جرئت‌مندی استوار است. به این ترتیب اگر بنایی ساخته شود، با کوچک‌ترین فشار فرو نمی‌ریزد. فیروزی با تأکید بر اینکه قصد داریم از طریق تربیون هنر مجالی برای مطالبه‌گری فراهم کنیم، اضافه می‌کند: سخن و انتقادی که با زبان هنر گفته شود، اثرگذاری بیشتری دارد، بنابراین هدف ما این است که از طریق آموزش هنر به توانمندسازی افراد معلول کمک کنیم، مشکلات را به گوش مسئولان برسانیم و حس مطالبه‌گری را زنده کنیم.

معاون توان بخشی اداره کل بهزیستی استان همچنین بیان می‌کند: تاکنون تعداد اندکی معلول وارد حوزه هنر شده‌اند و آن‌ها هم اغلب تحت حمایت یک یا چند موسسه خاص هستند و بنا داریم افراد معلول بیشتری را استعدادیابی و به هنر علاقه‌مند کنیم تا فعالیت‌های هنری از انحصار گروه‌های محدود و خاص خارج شود. تلاش می‌کنیم با اجرایی شدن این طرح، شرایط شناسایی، تشویق و جذب گروه‌های صاحب نفوذ هنرمند را فراهم کنیم.

### ● به دنبال برگزاری جشنواره تجربه‌اولی‌ها

عباس فیروفر، کارشناس توان بخشی اداره کل بهزیستی استان، نیز درباره طرح یادشده می‌گوید: مسئله این است که جشنواره‌ها مجال خوبی برای نشان دادن توانایی معلولان هستند و به آن‌ها انگیزه می‌دهند اما اتفاقی که اکنون در جشنواره‌های ما می‌افتد، حضور سریالی یک تعداد هنرمندان است و بیشتر معلولان جامعه از وادی دور هستند و در خانه مانده‌اند. قصد ما این است که گستره هنرمندان را افزایش دهیم.

وی یادآوری می‌کند: برای اجرایی کردن اهداف خود چند مرحله را پیش‌رو داریم؛ اول اینکه به اطلاعات کاملی از افراد هنرمند دارای

توان‌شهر / ماهنامه معلولان مشهد







## پرواز با بال‌های شکسته

گفت‌وگو با عکاس جانباز و عضو تیم ملی کوهنوردی جانبازان و معلولان کشور



الهام ظریفیان

را از زانو به بعد در شلمچه جا گذاشت و به جایش چندتایی ترکش در همان پای راست و جراحی‌هایی در شکم به یادگار گرفت. بعد از ۷۰ ماه حضور در جبهه‌ها و بذل ۷۰ درصد از وجودش در راه وطن و اسلام، عکاسی را رها نکرد که هیچ، ورزش حرفه‌ای را هم به فهرست «من می‌توانم» هایش اضافه کرد و همراه تیم ملی کوهنوردی جانبازان، قله‌های زیادی را زیر پا گذاشت؛ البته همکاری با رسانه‌ها را هم فراموش نکرد. بازتاب عکس‌های اجتماعی او در رسانه‌های استانی و ملی، باعث و بانی بسیاری از اتفاقات خوب بوده است. به مناسبت روز عکاس با وی گفت‌وگو کرده‌ایم که در ادامه می‌خوانید.

فهرست مدال‌ها و افتخارات ملی و بین‌المللی‌اش چیزی حدود ۱۰ صفحه آچار می‌شود. «داوود عامری»، عکاس اجتماعی و عضو تیم ملی کوهنوردی جانبازان کشور، متولد ۱۳۴۲ در گرگان است. فعالیت جدی در عکاسی را از سال ۵۷ و با دوربین لوبیتل روسی‌ای شروع کرد که برای تهیه پول آن، ماه‌ها همراه پدرش بنایی کرده بود. آن موقع هنوز ۱۵ سال بیشتر نداشت. چند وقت بعد هم که جنگ شروع شد، مانند خیلی از هم‌سن‌وسال‌هایش به‌عنوان بسیجی داوطلب به جبهه رفت، پای راستش

● بهترین و بدترین قابی که تاکنون به تصویر کشیده‌اید، چه بوده است؟

همیشه دوست داشتم عکسی از کعبه داشته باشم. در یکی از مسابقات عکاسی، جایزه نفر اول، سفر به مکه بود. من اول شدم و به مکه رفتم. در آنجا با دوربینی که تازه از یکی از دوستانم خریده بودم، عکسی را از طواف حجاج دور کعبه با نام «گرداب عشق» گرفتم که عکس برگزیده سال ۷۷ انجمن سینمای جوان شد. در این عکس افراد در حال طواف به‌صورت تعدادی خط دوار، دور کعبه بودند که من را یاد آن حدیث قدسی انداخت که «خداوند می‌فرماید هر کس من را بشناسد، عاشقم می‌شود و هر کس عاشق من شود، من عاشق او خواهم شد و من هر کسی را که عاشقش بشوم، می‌کشم». یعنی فنا فی... آن عکس، فنا فی... را برای من تداعی می‌کرد. این بهترین عکسی بود که گرفتم. بدترین عکس هم، عکسی بود که از مرگ یک پسر بچه ضایعات جمع‌کن در حوالی گرگان گرفتم. آن پسر به‌همراه خانواده‌اش در نزدیکی محل تخلیه زباله در بیرون گرگان، زندگی و کار می‌کرد. وقتی کامیون تخلیه زباله می‌رسد، برای اینکه زودتر از بقیه بتواند ضایعات را جمع کند، سوار کامیون در حال حرکت می‌شود و چون زمستان بوده است، از بالای ماشین سر می‌خورد و سرش زیر چرخ‌های کامیون می‌رود و دردم کشته می‌شود. به محض اینکه متوجه شدم، رفتم و عکاسی کردم. آن عکس خیلی بازتاب پیدا کرد و حتی استاندار هم به آن واکنش نشان داد. در نهایت باعث شد شهرداری، تخلیه زباله را به خارج از شهر گرگان، منتقل و آن را مکانیزه کند.

● چه انتظاراتی از جامعه در مواجهه با معلولان و جانبازان دارید؟

در کشورهای پیشرفته‌تر به معلولان توجه زیادی نشان می‌دهند، بنابراین در کشور ما که جمعیت افراد سالمند و معلول ناشی از جنگ زیاد است، توجه به مناسب‌سازی محیط باید بیشتر از این‌ها باشد. مناسب‌سازی یکی از حداقل‌های زندگی شهری است. موضوع دیگر، نگاه جامعه به معلولان است. مردم باید بدانند کسی که مشکل جسمی دارد، ناتوان نیست، بلکه کم‌توان است. اگر برای این افراد موقعیت‌های مناسب فراهم شود، آن‌ها هم می‌توانند از دیگر توانمندی‌های خود استفاده کنند و افرادی موفق باشند.

همچنین قله آرارات در ترکیه و کلیمانجارو در تانزانیا را همراه تیم ملی کوهنوردی جانبازان صعود کردم. در عرصه عکاسی هم ۳۰ عنوان و مدال بین‌المللی و ۳۰ عنوان مقام اول تا سومی در مسابقات داخلی کشور به‌دست آورده‌ام، بنابراین هم در هنر و هم در ورزش، معلولیت نه تنها مانعی برای من نبوده، بلکه حتی انگیزه‌ای بوده است که بیشتر تلاش کنم تا برتری‌های خود را در مقایسه با افراد سالم نشان بدهم.

● چگونه توانستید بر این محدودیت‌ها غلبه کنید و همچنان کارتان را به‌عنوان عکاس رسانه ادامه دهید؟

هیچ‌وقت خودم را یک معلول نمی‌دیدم. هر چند همین الان هم که با شما صحبت می‌کنم، ترکشی که داخل پای راستم است، خیلی مرا اذیت می‌کند، اما این درد و مشکلاتی را که داشته‌ام، آن قدر بزرگ نمی‌بینم که بخواهد مانع فعالیت‌هایم شود. رسانه‌ها معمولاً نتیجه را می‌خواهند و به اینکه چه کسی آن تصویر را تهیه کند، کاری ندارند.

● گفتید برای اینکه خود را ثابت کنید، مجبور بودید بیشتر تلاش کنید، از تبعیض‌هایی که خاطرش معلولان و جانبازان مجبورند بیشتر تلاش کنند، بگویید.

این یک موضوع کلی در همه‌جای دنیاست که معلولان برای اینکه بتوانند بر معلولیت خودشان غلبه کنند، نیرویی در وجودشان شکل می‌گیرد که به آن‌ها قدرت می‌دهد خود را در مقایسه با انسان‌های سالم ثابت کنند و نشان بدهند. برای من هم همین‌طور بوده است. کوهنوردی یک جفت پای سالم می‌خواهد، اما کسی که با پای قطع‌شده به کوه می‌رود، مانند پرنده‌ای است که با بال شکسته پرواز می‌کند. می‌توان گفت معلولان با کمی تلاش و همت، می‌توانند حتی موفقیت‌هایی بیشتر از انسان‌های غیر معلول داشته باشند.

● اگر در جنگ مجروح نمی‌شدید، فکر می‌کنید به نقطه‌ای که الان هستید، می‌رسیدید؟

شاید نه. شاید آن‌وقت دیگر انگیزه‌ای را که بخواهم به این موقعیت برسم، نداشتم.

● شروع کارتان در حوزه عکاسی با کدام نشریات بود؟

در سال‌های گذشته و تا قبل از اینکه وسعت کار خبرنگاران مثل امروز زیاد بشود، همکاری با رسانه‌ها بیشتر بود اما الان به‌صورت محدودتر با آن‌ها همکاری می‌کنم. شروع کارم با رسانه‌های استانی «گلشن مهر» و «گلستان ماه» بود که هنوز هم در گرگان کار می‌کنند. گه‌گاه با نشریات ملی هم همکاری می‌کنم؛ البته قبل از همکاری با رسانه‌ها به‌صورت آزاد عکاسی می‌کردم.

● از ماجرای مجروحیت‌تان در جبهه بگویید؟

سال ۶۵ داوطلبانه در جبهه حضور پیدا کردم. در جبهه شلمچه و در ادامه عملیات کربلای ۵ بود که پای راستم از زانو قطع شد و همان‌جا ماند. در بیمارستان صحرائی بدون پا بودم. جراحی‌هایم نیز در شکم و دست راستم به‌وجود آمد ولی این معلولیت‌ها مانع از حضور من در عرصه‌های اجتماعی و ورزشی نشد.

● قبل از آن، کار عکاسی را به‌صورت حرفه‌ای شروع کرده بودید؟

بله، عکاسی را از سال‌های نوجوانی با خرید یک دوربین لوبیتل ۲ روسی شروع کرده بودم. ماه‌ها پیش پدرم بنایی کردم تا توانستم ۸۰۰ تومان پول بخرم آن را پس‌انداز کنم. یادم است پول را به دایم‌ام دادم که دوربین را از مشهد برایم بخرد. اولین دوربینی بود که با آن کار کردم و اندازه فیلم‌نگاتیو آن ۶ در ۶ سانتی‌متر بود. این مقدمه‌ای برای عکاسی من بود اما همکاری با رسانه‌ها را از سال ۷۰ شروع کردم.

● روزهای بعد از جانبازی چطور گذشت؟ به‌ویژه در فعالیت‌های عکاسی‌تان چه تغییراتی پیش آمد؟

آنچه همیشه ذهن مرا درگیر کرده، این است که معلولیت نباید مانع انجام فعالیت‌هایم شود؛ به همین دلیل به محض مرخص شدن از بیمارستان با عصا و بعدها با پای مصنوعی، به جبهه برگشتم و تا پایان جنگ در آنجا ماندم. بعد از جنگ هم فعالیت‌های ورزشی‌ام را ادامه دادم. عضو تیم ملی کوهنوردی شدم و همراه این تیم به قله‌های داخلی و خارجی زیادی صعود کردم. ۲۱ بار قله دماوند، ۱۸ بار قله سلبلان، ۱۵ بار قله تفتان زاهدان، ۲۱ بار قله سه‌سهند و







## توان تک؛ راه جلوگیری از آسیب‌های بیشتر



علی صمدی‌جوان  
دبیر توان‌شهر

در فناوری و دسترس‌پذیری، مهم‌ترین رسالتی است که می‌توان برای جامعه معلولان ایران در نظر گرفت، از این رو سومین رویداد توان تک با محوریت استقلال اجتماعی افراد دارای معلولیت و دسترس‌پذیری فضای وب و نرم‌افزارها به کوشش موسسه آموزشی و نیکوکاری رعده در نمایشگاه الکامپ تهران برگزار شد. آنچه در ادامه می‌خوانید، مروری بر اقدامات صورت گرفته در توان تک و راه‌اندازی اولین پویش دسترس‌پذیری وب و اپلیکیشن‌هاست.

دنیای مدرن امروز، راه‌حل بسیاری از نیازهای خود را در هوشمندسازی و آسان‌سازی خدمات می‌بیند. در واقع بسیاری از خدماتی که همیشه بوده‌اند، اکنون بسیار در دسترس‌تر و کارآمدتر جلوه می‌کنند و این موضوع به دلیل شیوه‌های نوین دسترس‌پذیری، اعجاز اینترنت و البته تفکر خلاق بشر است اما نکته‌ای که باید مورد توجه ویژه قرار گیرد، لزوم ایجاد فرصت‌های برابر برای همه انسان‌هاست تا همگی بتوانند لذت سوار شدن در قطار پرسرعت پیشرفت و فناوری را تجربه کنند. فرصت‌های برابر

آگاهی بخشی کافی، فرایند اصلاح و حذف آن را انجام دهیم.

### ● یک روز لازم می‌شه!

فراستی در پاسخ به این سوال که «چرا تمام کسب و کارها و استارت‌آپ‌ها باید دسترس‌پذیر باشند، حتی اگر هدف جامعه معلولان نباشند»، می‌گوید: تمام ابزارهای راحتی و رفاه مردم که در پیشبرد کارهای روزمره‌شان هم مفید است، باید برای همگان در دسترس و آسان‌سازی شده باشد؛ چون قطعاً روزی لازم خواهند شد و از سوی دیگر به افزایش بازار، کمک ویژه‌ای خواهد کرد.

او تأکید می‌کند: روندی که آغاز کرده‌ایم، ناگهانی و به‌سرعت جواب نخواهد داد و باید به اولویت‌های جامعه معلولان نگاه کنیم و لازم است بگویم دو حوزه خدمات درمانی و خدمات تفریحی برای افراد دارای معلولیت، بسیار کاربردی است و ما درخواست‌های بسیار زیادی در این دو حوزه داشته‌ایم. این نکته را هم اضافه کنم که دنیای بدون تفریح برای هر انسانی، مانند یک زندان است و ما می‌خواهیم معلولانمان در زندان نباشند.

قبل از آنکه بپرسم «اگر هم وب‌ها را مناسب‌سازی کردیم، با نبود زیرساخت‌ها چه کنیم»، فراستی این نکته را گوشزد می‌کند که ما مجبوریم ضمن دسترس‌پذیری فضاهای مجازی، بسترهای لازم برای امکان هدف را نیز مهیا کنیم و همسو با هم برای استفاده حداکثری افراد دارای معلولیت آماده شویم؛ به‌عنوان مثال، سایت سینماتیک می‌تواند خدمات خود را برای نابینایان تسهیل کند تا سینماهایی را که دارای رمپ هستند، برای معلولان جسمی حرکتی مشخص کند.

در ایران نبود و جانداختن این مسئله بسیار مهم است. شاید برایتان جالب باشد که بدانید برخی کشورهای دنیا بر آن هستند تا در چنین روزی، ضرورت فرصت‌های برابر را نشان دهند، به‌گونه‌ای که مثلاً در آمریکا از شرکت‌های بزرگ و معتبرشان می‌خواهند در این روز با ماوس کار نکنند یا مثلاً نورال‌سی‌دی خود را قطع یا بسیار کم کنند. این حرکت نمادین برای آنان این فایده را داشته است که با معلولان و محدودیت‌هایشان آشنا شوند.

فراستی در ادامه به آمار جهانی معلولان اشاره می‌کند و می‌گوید: ۱۵ درصد جمعیت جهان، دارای معلولیت هستند و این یک فرصت برای کسب و کارهای بستر وب و استارت‌آپ‌هاست؛ آماری شبیه به بازار هند و چین که در تمام نقاط جهان گسترانیده شده است و باید از آن استفاده کرد.

پایه‌گذار پویش دسترس‌پذیری وب ادامه می‌دهد: تغییر نگاه‌ها به مقوله مناسب‌سازی ابزار هوشمند، الزام کاری است که شروع کرده‌ایم و برنده‌های خوبی همانند اسنپ، تپ‌سی و هاناپ که استارت‌آپ ناشنویان هستند و البته بسیاری دیگر از کسب و کارهای هدف در این زمینه، ما را همراهی کردند.

فراستی می‌خواهد تا جایی این پویش را پیش ببرد که تمامی فرصت‌ها را برابر کند و قاطعانه معتقد است که در عین سختی، این اتفاق باید بیفتد. او می‌گوید: می‌توانیم برپایه اطلاعات خوبی که به‌دست آورده‌ایم، به بسیاری از کسب و کارهای هوشمند کمک کنیم تا چیزهایی را اضافه، اصلاح یا کم کنند؛ مثلاً برخی لینک‌ها وجود دارند که گمراه‌کننده هستند و این می‌تواند آسیبی برای نابینا باشد، بنابراین ما باید با

این قشر ایجاد کرده است، اشاره و بیان می‌کند: ظرفیت‌های جدیدی در حال شکل‌گیری است و ما نیز باید براساس اصل دسترس‌پذیری، به استقبال بهره‌مندی از آن برای معلولان برویم و نقشی در اشتغال آنان داشته باشیم.

وی ادامه می‌دهد: رویداد توان تک بیشتر به دنبال توسعه کسب و کارها و استارت‌آپ‌ها و همچنین متناسب‌سازی خدمات و سرویس‌هاست تا بتواند به بهبود کیفیت زندگی افراد دارای معلولیت برپایه ظرفیت فناوری اطلاعات کمک کند.

چهره‌نگار اظهار می‌کند: به‌منظور اشتغال معلولان - که یکی از خدمات واحد اشتغال موسسه رعده است - فرایند کوچینگ یا حامی و یاور معلولان را انجام می‌دهیم. هدف از این اقدام که به مدت سه سال از آغاز اشتغال فرد معلول انجام می‌گیرد، پایدار شدن شرایط فرد معلول در محیط کار و دیگر حواشی مربوط به آن است تا فرد معلول بتواند به شرایط مطلوب دست یابد.

### ● بدون ماوس کار کنید

قطعا مشکل است تصور اینکه بخواهید برای هر دستوری که به رایانه‌تان می‌دهید، آن را تایپ کنید یا به‌سراغ گزینه RUN بروید. اینجا کارکرد یک ماوس بسیار به چشم می‌آید.

«پویان فراستی»، پایه‌گذار پویش دسترس‌پذیری وب و اپلیکیشن برای معلولان است و با آوردن مثال بالا، به ضرورت مناسب‌سازی فضای وب برای همه اشاره می‌کند.

او می‌گوید ایده اصلی این طرح از زمانی در ذهنش شکل گرفت که در آستانه روز جهانی دسترس‌پذیری وب، هیچ‌گونه خبری از آن

### ● فناوری‌های نوین، زندگی را برای معلولان راحت‌تر می‌کند

منصوره پناهی، مدیرعامل مجتمع آموزشی نیکوکاری رعده که بانی اصلی رویداد توان تک است، در گفت‌وگو با توان‌شهر بیان می‌کند: «فناوری»، دسترس‌پذیری به جامعه، مشارکت در امور اجتماعی و استقلال و امنیت را برای افراد دارای معلولیت به ارمغان آورده است و این برای ما یک مزیت به حساب می‌آید.

پناهی از دیگر مزیت‌های توان تک در نمایشگاه الکامپ را، هم‌افزایی و تعامل ۲۵ تشکل مدنی معلولان با این مجموعه می‌داند و می‌افزاید: از ۲۵ انجمن فعال مدافع حقوق معلولان دعوت کردیم تا علاوه بر مشارکت در برگزاری نمایشگاه توان تک، با حضورشان انتظارات و مطالبات مخاطبان‌شان را به اطلاع کسب و کارها و مدیران استارت‌آپ‌ها برسانند و زمینه دسترس‌پذیری الکترونیک را برای افراد دارای معلولیت فراهم سازند.

### ● کوچینگ معلولان در حین اشتغال

به محض ورود به سالن شماره ۹ نمایشگاه الکامپ، وارد پایویون مشورتی تشکل‌های معلولان می‌شویم و «شهرزاد چهره‌نگار»، مسئول واحد روان‌شناسی موسسه رعده، به استقبالمان می‌آید. چهره‌نگار می‌گوید: این دومین رویداد توان تک در الکامپ است که در آن حضور داریم و اولین بار نیز در محل موسسه رعده و با حضور ۳۲ استارت‌آپ که به حوزه افراد دارای معلولیت مربوط می‌شدند، این مسیر را آغاز کردیم. او با اشاره به ۳۵ سال فعالیت مستمر موسسه رعده در حوزه معلولان، به بسترهای گوناگونی که فضای وب و نرم‌افزارها برای



ویژه نابینایان

## کدنویسی با ۹۸ درصد معلولیت

وارد شد. هر فعال حقوق معلولان که در این راه سخت و پرمشقت قدم برمی‌دارد، وحید را الگویی برای جامعه هدف می‌داند؛ به گونه‌ای که هدف از اقدامات او، تقویت توانایی افراد دارای معلولیت دانسته می‌شود و گپ زدن با او، هم فال بود و هم تماشا.

می‌گویند جوینده، یابنده است. من هم به محض ورود به پایتون توان تک، مدام به دنبال یک شخص خاص بودم. شخصی که من دنبالش می‌گشتم، «وحید رجبلو» بود. اولین بار وحید را در برنامه «حالاخورشید» دیدم و بسیار مجذوب توانایی او شدم. مشغول گفتم و گو با دوستان حاضر در غرفه توان تک بودم که وحید به همراه برادرش

انتظار افرادی مانند من، حمایت بی‌چون و چرای وزارت ارتباطات است تا کسب و کار افراد دارای معلولیت مورد توجه ویژه واقع شود. این مسئله یک پیامد مهم دارد و آن هم این است که حداقل بار هزینه معلولان از دوش دولت و سازمان بهزیستی برداشته می‌شود و از سوی دیگر فرصت‌های برابر برای دیده شدن در اختیار ما هم قرار می‌گیرد. اینجا وحید یک لحظه به فکر فرومی‌رود و بعد می‌گوید: این مسئله بسیار بسیار مهم است. بله، خیلی.

وحید، توانیتو ورژن ۹۸ را بسیار مهم‌تر، جدی‌تر و پویاتر از نسخه ابتدایی خودش می‌داند و برای آن برنامه‌های بسیاری دارد و تلاش اصلی‌اش را برای همسان‌سازی‌های دانشگاهی، متناسب با نیاز جامعه و حتی مخاطب‌پذیری خارج از ایران می‌داند؛ به خصوص اینکه گسترش توانیتو در تمام نقاط ایران، می‌تواند وحید و توانیتو را مطرح‌تر هم بکند.

آخرین سوالم از وحید این است که خودت را یک فرد دارای معلولیت می‌دانی یا توان‌یاب. (علت طرح این پرسش، دغدغه خودم در خطاب قرار دادن افرادی مانند خودم است و می‌خواهم بدانم وحید هم با من موافق است یا خیر) او پاسخ می‌دهد: خودم را یک فرد دارای معلولیت می‌دانم نه توان‌یاب، زیرا من فردی توانا هستم و نیازی به توان‌یابی ندارم؛ البته این به معنی داشتن اعتماد به نفس کاذب نیست و باید درباره برخی محدودیت‌هایی که دارم، واقع‌بین باشم.

تمام مدت مصاحبه، مجید، برادر وحید، کنار او بود و اگر کاری داشت، برایش انجام می‌داد. کافی بود وحید با آن صدای آرام و دوست‌داشتنی بگوید: مجید! آن وقت مجید با تمام وجود در خدمت برادر توانایش بود.

خانواده رجبلو، اعضای توانیتو هستند. وحید، برادر و خواهرش و حتی مادرشان هم در این مسیر کمک می‌کنند و شاید بین تمام غرفه‌های الکامپ، هیچ‌کدام شبیه خانواده آقای رجبلو نبودند. با وحید خداحافظی می‌کنم و چند دقیقه‌ای می‌نشینم و رفتنش را می‌نگرم. با خودم فکر می‌کنم چه قدرتی والاتر از اراده و دست یافتن به پیروزی، می‌توانست وحید را از فرزند احتمالی آسایشگاه بودن، تبدیل به برندی در حوزه استارت‌آپ‌های ویژه معلولان کند؟ در همین افکار هستم که یاد این جمله زیبا از خواجه عبدا... انصاری می‌افتم که گفت: آن ارزی که می‌ورزی.

مجازی هستید، پس می‌توانیم آن گونه که می‌شود، از فرصت‌هایمان و اعتماد اطرافیانمان لذت ببریم.

سال گذشته که تلگرام فیلتر شد، وحید از کسانی بود که پیامی توییتری خطاب به وزیر ارتباطات نوشت و در آن از بی‌عدالتی‌ای که نصیبش شده است، گلایه کرد. او نوشت: «آقای وزیر! من به‌عنوان یک فرد دارای معلولیت آن هم از نوع خیلی شدید به دلیل شهری ۱۰۰ درصد نامناسب‌ساز و با فیلتر کردن شما، باز هم موفق شدم به کمک شبکه‌های اجتماعی، ابتدا صدای خودم و جامعه معلولان رو به گوش کل کشور برسانم و استارت‌آپی راه‌اندازی کردم که شدم یک معلول کارآفرین». این توییت، نشان از عزم جدی وحید برای پیشبرد کارهایش داشت و امروز هم نتیجه موفقیتش را می‌بیند.

وحید می‌گوید: پس از آن توییت، وزیر پاسخ‌م را داد اما در واقع هیچ تأثیری نداشت و وضعیت تغییری نکرده است؛ البته او بر این نکته نیز تأکید می‌کند که نمی‌شود منکر زحمات وزیر جوان دولت دوازدهم بود، زیرا ایشان کارهای مثبتی برای ما انجام داده است.

این را هم بگویم که بعد از مصاحبه توانشهر با وحید رجبلو، دکتر آذری جهرمی، اختصاصی با او دیدار کرد که در آینده به آن اشاره می‌کنیم.

وحید بر این باور است که کمترین

پیراپزشکی، توان بخشی، خدمات عمومی خرید، معرفی اماکن دسترس‌پذیری و نظایر آن دارد، تبدیل به پرچم‌دار دنیای معلولان شده است؛ البته وحید این خبر خوش را هم به ما می‌دهد که امروز علاوه بر تهران، دوستان کرچی هم توانیتویی هستند و به‌زودی مشهد هم به خانواده بزرگ توانیتو می‌پیوندد.

توانیتو، فضای اختصاصی معلولان است، اما چطور می‌شود که مخاطب غیر معلول نیز جذب آن می‌شود که وحید در این باره نیز می‌گوید: لطف مردم نازنین کشورم همیشه شامل حال من و استارت‌آپم بوده است و واقعا از آن‌ها ممنونم، ولی چیزی که من امروز باید به آن دسترسی داشته باشم، اطلاعات جامعه هدفم در بهزیستی و بنیاد شهید و امور ایثارگران است تا بتوانم دامنه خدمات توانیتو را گسترش بدهم. شاید برایتان جالب باشد که توانیتو مخاطبان سالمند و بیماران موقت را هم پوشش می‌دهد و همین مسئله باعث شده است که خدمات‌مان را متنوع‌تر کنیم.

وحید، توانیتو را فرصتی علیه تهدیدهای اجتماعی معلولان می‌داند، آن هم نه به دلیل خدماتش بلکه برای اهدافش. او می‌گوید: کسانی را می‌شناسم که تا پیش از ظهور توانیتو، حاضر نبودند یک عکس ساده بگیرند اما امروز با انگیزه‌ای که توانسته‌ایم در آن‌ها به وجود بیاوریم، شما شاهد صفحات گوناگونی از معلولان مطرح در فضاهای

وحید، جوان سی و دو ساله‌ای است که به معلولیت اس‌ام‌ای مبتلاست؛ بیماری‌ای خطرناک با قابلیت پیش‌روندگی که با تحلیل گسترده عضلات، شما را به شدیدترین حالت ممکن دچار معلولیت می‌کند. وحید نیز دارای ۹۸ درصد از این نوع معلولیت است و تمام قدرت این مرد جوان، در انگشتان نحیف اما پرتوان دست راستش نهفته است.

وحید همیشه خندان است و با صدایی آرام که شاید در همه سالن شنیده نشود، به سوالاتم پاسخ می‌دهد. برای من که خودم درگیر معلولیت هستم، همیشه این پرسش مطرح بوده است که یک فرد معلول، کودکی و نوجوانی خود را با آن همه نگاه کنجکاو یا حتی ترحم‌برانگیز چگونه گذرانده است. وحید خیلی ساده می‌گوید: قرار نبود زانوی غم بغل کنم و منتظر معجزه‌های باشم تا روند زندگی‌ام تغییر کند. می‌دانستم که به یک تغییر زیبا احتیاج دارم و آن این بود که دنبال بزرگ شدن و دیده شدن باشم. من تا سوم راهنمایی بیشتر ادامه تحصیل ندم و تازه آن را نیز در چهار سال سپری کردم؛ اول تا پنجم را در یک سال و دوره راهنمایی را هم در سه سال خواندم و این زمان بود که با کامپیوتر آشنا شدم و اینجا تازه اول راه بود.

بنیانگذار «توانیتو» - که در ادامه به آن هم می‌پردازیم - درباره داستان رو آوردنش به کامپیوتر نیز می‌گوید: هنگامی که معلولیتم شدیدتر شد، با کامپیوتر آشنا شدم و از آن کسب درآمد کردم. بعد از مدتی در سال ۱۳۸۹ با دنیای استارت‌آپ‌ها آشنا شدم و شروع به برنامه‌نویسی کردم.

رجبلو در پاسخ به این سوال که «چطور می‌توانی برنامه‌نویسی و کدنویسی کنی»، اظهار می‌کند: با چند کلیک ساده؛ البته این روزها دیگر برنامه‌نویس استخدام کرده‌ام و خودم بیشتر مدیریت می‌کنم.

وحید را با دو چیز می‌شناسند؛ اول، معلولیت پیشرفته‌اش و دوم هم «توانیتو». توانیتو، نام اپلیکیشن است که وحید آن را برای زندگی راحت‌تر معلولان طراحی کرده است. وحید، توانیتو را محلی برای زندگی مستقل معلولان می‌داند و خدمات ارائه‌شده در آن راه‌هدفی مهم برای حذف وابستگی افراد دارای معلولیت معرفی می‌کند: «امروز توانیتو موفق شده است برند نخست دنیای ما معلولان باشد و با شاخه‌های متعددی که در زمینه‌هایی مانند سلامت،







ویژه نابینایان

### بودجه از بهزیستی، توان بخشی از ما

مدیر جامعه نابینایان ثامن الائمه(ع) که بینایی خود را در جنگ تحمیلی از دست داده است، معتقد است توان بخشی با آموزش در حوزه مهارت آموزی و استقلال فردی آغاز می شود که تحرک و جهت یابی، پایه های این آموزش هستند. مهم ترین موضوع در این زمینه این است که فرد نابینا بتواند کارهای شخصی خود را انجام دهد و حتی از خانه خارج شود و در اجتماع حضور فعال داشته باشد.

«جواد رضایی سیستانی» می افزاید: «مهارت های فنی از دیگر اصول توانمندسازی است که فرد را آماده کار کردن می کند. این آموزش ها از خط بریل آغاز می شود و تا سواد آموزی ادامه پیدا می کند. بعد از سواد آموزی به مسائل حاشیه ای مانند آموزش کامپیوتر، قرآن، نویسندگی، شعر، ادبیات و... پرداخته می شود. برخی کلاس های توانمندسازی نابینایان در مجتمع شهید جلیلیان برقرار است اما به دلیل ناتوانی در مهیا کردن سرویس ایاب و ذهاب، کمتر از آن ها استقبال می شود.»

رضایی درباره سختی های دسترسی یک فرد نابینا به مکان های مختلف می گوید: «یک معلول جسمی حرکتی که با ویلچر تردد می کند، ممکن است مشکل پیمودن پله و سطح شیب دار داشته باشد اما یک نابینا با مشکلات دیگری دست و پنجه نرم می کند؛ به عنوان مثال برخی چاله ها، موانع عمودی، تابلوهای شهرداری و سایبان های مغازه ها را نمی توان با عصا زدن تشخیص داد و ممکن است برای نابینا مشکل ایجاد کند. همچنین داربست ها و تابلوهای هشدار دهنده اگر در ارتفاع مناسب نصب نشوند، برای افراد نابینا خطر بالقوه خواهند بود.»

او پیشنهاد های خود برای رفع مشکلات قشر نابینا در فضاهای شهری را این گونه بیان می کند: «مناسب سازی معابر و ورودی ساختمان ها و همچنین ایستگاه های اتوبوس و مترو، می تواند بخشی از مشکلات را کم کند. بیشتر فعالیت ها با هدف رفع موانع سطحی و شیب هاست اما متأسفانه در این زمینه به موضوع نابینایان کمتر پرداخته شده است؛ به عنوان مثال فرد نابینا نمی تواند رنگ چراغ راهنمایی را تشخیص دهد. در خیلی از کشورها و همچنین در برخی نقاط تهران، چراغ های راهنمایی به آواهای هشدار دهنده مجهز شده اند. استفاده از علائم صوتی برای پیدا کردن چراغ راهنمایی و خطوط عابر پیاده، الزامی است. همچنین بهتر است خطوط چپ و راست عابر پیاده به صورت میخکوبی برجسته شود تا فرد نابینا بتواند مسیر عبور خود از خیابان را تشخیص دهد. یک امکان دیگر که در برخی نقاط مشهود وجود دارد، جعبه هایی است که زیر چراغ های راهنمایی تعبیه شده است تا فرد بتواند با قرار دادن دست و لمس خطوط برجسته، متوجه رنگ چراغ راهنمایی شود. با استفاده از این امکان، استقلال فرد بیشتر می شود. همچنین تابلوهای راهنمایی کنار خیابان، باید در ارتفاع حدود دو متری نصب شوند تا احتمال برخورد افراد نابینا با آن ها کاهش یابد.»



طرح: احسین تقیب

## چشمان باز جهت های ناپیدا

**دنیای آن ها مملو از نادیده هاست اما بیناتر از هر کسی عشق را استشمام و نگاه های زلال را حس می کنند. وقتی این چنین بتوانی زندگی کنی، صدای واقعیت ها را با گوش جان می شنوی و با این همه حسن، چه نیاز به چشم است؟ برخی، آنان را روشن دل خطاب می کنند که شاید بی راه نباشد، زیرا دل آنان، چشمه روشنایی است و کیست که نداند وقتی دل بر چیزی مومن شد، چشم بسته قبولش می کند؟**  
**موسسه «جامعه نابینایان ثامن الائمه(ع)»، بزرگترین تشکل نابینایان استان است. این موسسه با قدمتی شانزده ساله در زمینه های مختلف فرهنگی، آموزشی، توان بخشی، حمایتی، اجتماعی و معیشتی خدمات می دهد.**



غزاله حسین پور

مدیرعامل موسسه جامعه نابینایان ثامن الائمه(ع) ادامه می دهد: «اعلام ایستگاه ها در مترو و اتوبوس، از اقدامات مثبت در این راستاست که در اتوبوس به طور کامل انجام نمی شود، زیرا گاهی راننده، جی پی اس اتوبوس را خاموش می کند و به این فکر نمی کند که این کار ممکن است برای مسافر نابینا یا ناشنا به مسیر، مشکل ساز شود.»

رضایی معتقد است بیشتر افراد نابینا نمی توانند به تنهایی عبور و مرور کنند، بنابراین حتما باید یک همراه داشته باشند و این موضوع باعث افزایش هزینه رفت و آمد خواهد شد، بنابراین بهتر است دست کم برای فرد نابینا یا معلول، کارت استفاده از وسایل نقلیه عمومی به صورت ماهانه شارژ شود تا در هزینه های آن ها صرفه جویی گردد.

نابینایان شهر، عضو این انجمن هستند و دیگران احتمالا از وجود چنین جایی بی خبرند. او درباره نوع خدمات ارائه شده و نحوه کمک به فرد نابینا بیان می کند: «نوع کمک، بستگی به نیاز فرد دارد؛ مثلا یک دانشجوی دکتری به جای کاغذ و لوح، به لپ تاپ، ویسر رکورد و تلفن همراه خوب احتیاج دارد. وسایل مورد نیاز معلولان، خاص است و ما نمی توانیم همه آن ها را تهیه کنیم، بنابراین بهترین و باکیفیت ترین وسایلی را که در جامعه وجود دارد، برای نیاز آن ها گزینش می کنیم و هر وسیله ای را که حتی در دنیا برای اولین بار استفاده شده است، در نظر می گیریم تا اگر برای نابینای ایرانی هم مناسب بود، پیشنهاد تهیه آن را به بهزیستی بدهیم.»

سبزواری سامان یافتن امور این قشر را در یک مدیریت واحد برای رسیدگی به مسائل و هماهنگی آن ها می داند و می افزاید: «باتوجه به مستمری اندکی که مددجویان بهزیستی دریافت می کنند و معضل اشتغال آن ها، این افراد امکان و فرصت فعالیت در امور فرهنگی را ندارند، بنابراین جامعه نابینایان سعی می کند کمبود فعالیت های فرهنگی این افراد را جبران کند؛ به عنوان مثال

### سهولت رسیدگی

نایب رئیس جامعه نابینایان ثامن الائمه(ع) نیز می گوید: «اساس کار جامعه نابینایان، مدد گرفتن از سازمان های مختلف است.»  
به گفته «سلیمان بهمن سبزواری»، کسانی که می خواهند تحت پوشش این موسسه باشند، باید در ابتدا عضویت پیدا کنند. ۸۰ تا ۹۰ درصد

چاپخانه بریل ثامن الائمه(ع)، چاپ کتب ادعیه و زیارت برای نابینایان را در دستور کار خود قرار داده است. همچنین دانشجویان کم بینا و نابینا می توانند با مراجعه به انجمن، جزوات درسی خود را به خط بریل تبدیل کنند تا در استفاده از آن ها مشکلی نداشته باشند.»

### توانایی های پنهان نابینایان

همچنین فرهاد بهشتی، مسئول امور فرهنگی جامعه نابینایان ثامن الائمه(ع)، می گوید: «در گام بعد تلاش می کنیم موسسه قرآن و عترت جامعه نابینایان را راه اندازی کنیم. همه ما مسلمان هستیم و حق هر فردی است که در طاقچه خود یک جلد کلام خدا داشته باشد. اقدامات اولیه این ایده از طریق اداره فرهنگ و ارشاد مشهد صورت گرفته است و ما سعی می کنیم آن چنان که شایسته است، توانمندی های معلولان را در زمینه های آموزشی، اجتماعی، فرهنگی و ورزشی به سایر افراد جامعه نشان دهیم، کما اینکه نابینایان توانایی های عجیبی دارند که متأسفانه گاه به منصف ظهور نرسیده است.»

### تحصیل، فارغ از معلولیت

فاطمه نجفی، از اعضای فعال انجمن نابینایان که به صورت افتخاری مشغول آموزش در کلاس های توان بخشی است، می گوید: «در رشته مددکاری اجتماعی مقطع لیسانس، در دانشگاه بنیاد شهید مشغول تحصیل هستم. نحوه تحصیل من به این صورت است که مطالب گفته شده در کلاس را ضبط می کنم و برای امتحان گوش می دهم. همچنین در جلسه امتحان با منشی حاضر می شوم و پاسخ ها را به او می گویم تا بنویسد.»

او معتقد است فردی که دچار مشکل می شود، برای اینکه بتواند به زندگی روزمره برگردد، نیازمند آموزش است؛ به عنوان مثال به افراد نیمه بینا آموزش هایی به منظور استفاده از تلفن همراه و نرم افزارها داده می شود یا حتی از وسایل کمکی بینایی مانند ذره بین به دید استفاده می شود. همچنین به افرادی که بینایی کمتری دارند، آموزش هایی مثل استفاده از خط بریل و عصای سفید داده می شود.

نجفی در پاسخ به سوالاتی درباره خواسته ها و آرزوهایش می گوید: «انسان ها حقوق فردی و اجتماعی دارند. رسانه ها می توانند نقش موثری در آموزش خانواده ها داشته باشند، زیرا خیلی از خانواده ها معتقدند اگر فرزندشان دچار نقص شد، دیگر نمی تواند زندگی را به شیوه انسان های عادی ادامه دهد. نکته دیگر این است که اگر افراد جامعه می خواهند فردی را به کار گیرند، به این باور برسند که فرد دارای معلولیت نیز توانایی انجام کار را دارد. تا زمانی که محیط های شهری، مناسب سازی نشود، فرد نابینا یا معلول نمی تواند توانایی خود را به اعضای جامعه ثابت کند. این ها همه می توانند ما را در رسیدن به آرزوهایمان کمک کنند. اگر حقوق ما در جامعه رعایت شود، احتیاجی به اختصاص سهم ویژه نداریم، بنابراین خواست ما از جامعه و افراد آن، این است که حقوقمان را بشناسند و رعایت کنند.»

# داستان کسانی که مرزها را شکستند



## ایستاده مثل سرو

گفت‌وگو با مدرس فنی و حرفه‌ای دارای معلولیت که این روزها کامپیوتر تدریس می‌کند



شیما اسکافی

در جریان یکی از سفرهای کاری‌اش به دلیل سرعت زیاد هنگام رانندگی و ناآشنایی همراهانش با اصول کمک‌های اولیه، دچار ضایعه نخاعی از ناحیه گردن می‌گردد. از آن پس زندگی یحیی شکل جدیدی به خود می‌گیرد اما این تغییر شرایط باعث نمی‌شود او در برابر طوفان حوادث سر خم کند، بلکه برعکس به مدد ایمان و توکل به خداوند و توانایی‌های شخصی‌اش، زندگی را از سر می‌گیرد. یحیی تا به امروز علاوه بر فرادادن آموزش مهارت‌های کامپیوتری و میکس و مونتاژ به بسیاری از کارآموزان دارای معلولیت، چندین کتاب در حوزه‌های مختلف نیز به رشته تحریر درآورده است که در میان صحبت‌هایش می‌گوید در آینده نزدیک تعداد آن‌ها را به اجلد خواهد رساند.

روزشمار مناسب‌های مهم مرداد را که جست‌وجو می‌کردم، چشمم به تاریخ ۶ مرداد و سالروز ترویج آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در کشور افتاد. همین جرقه کافی بود تا نام «یحیی توکلی» در ذهنم زنده شود؛ فردی که با وجود آنکه سال‌هاست از آخرین ملاقاتم با او می‌گذرد، داستان زندگی‌اش بی‌هیچ اغراقی همچنان برایم شایسته تحسین و تأمل برانگیز است. یحیی توکلی از مدرسان موفق و متعهد کامپیوتر در مشهد است که در بیست و یکمین روز از مهر سال ۱۳۵۰ در شهرستان کاشمر متولد شد. او سال ۷۴ در رشته مدیریت دولتی در مقطع کاردانی از دانشگاه تهران فارغ‌التحصیل می‌شود و در سال ۸۱

### ● دو مسیر، یک انتخاب

یحیی درباره اولین روزهای پس از معلولیتش می‌گوید: بعد از تصادف عملاً تا دو سال، درگیر بیماری‌ها، فیزیوتراپی و زخم‌های بستر ناشی از بیماری‌ام بودم اما به مرور، شرایط را پذیرفتم و دریافتم که زندگی‌ام پس از این با همین شکل و شمایل ادامه خواهد داشت. دوراه پیش‌رو داشتم؛ یا باید به‌عنوان فردی از کارافتاده و گوشه‌گیر به زندگی ادامه می‌دادم و در این صورت این دیگران بودند که باید برای من و زندگی‌ام تصمیم می‌گرفتند یا باید به‌عنوان عضوی از جامعه در اجتماع حضور پیدا می‌کردم و افسار زندگی‌ام را در دست می‌گرفتم که من، مسیر دوم را انتخاب کردم.

وی اضافه می‌کند: آذر سال ۸۲ با مؤسسه رعد در تهران آشنا شدم و این آشنایی به نقطه عطفی در زندگی‌ام تبدیل شد، زیرا چند ماه بعد از این آشنایی، زمانی که به‌دلیل شخصی و خانوادگی به‌همراه خانواده‌ام تصمیم گرفتیم در مشهد ساکن شویم، به‌دلیل اطلاعات فنی خوب و تجربه‌ای که پیش از معلولیت از انجام کارهایی مثل میکس و مونتاژ فیلم و فتوشاپ داشتم، به‌عنوان مدرس به مؤسسه توان‌یابان مشهد معرفی شدم و مسیری تازه پیش‌رویم قرار گرفت.

### ● آموزش‌های فنی و حرفه‌ای

او در پاسخ به سؤالی درباره «ضرورت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای برای اقشار مختلف» بیان می‌کند: معتقدم که آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در واقع چیزی شبیه یک مانور است که ذهن کارآموز را برای رویارویی با شرایط واقعی، آماده می‌کند. کشور نیاز داشت که ما در کنار علم چیزی به نام تلاش هم داشته باشیم و اگر در جایی فکر، کار می‌کند، در جای دیگر عمل وارد میدان شود.

توکلی در ادامه ضمن اشاره به خاطرات و تجربیات خود به‌عنوان مدرس این حوزه در مواجهه با کارآموزان دارای معلولیت اظهار می‌کند: در تدریس عمومی، مدرس تنها یک یادآور تدریس دارد که با استفاده از آن، مطلب را آموزش می‌دهد اما در کلاس‌های من، بچه‌هایی با معلولیت‌های متفاوت هستند که تدریس برای هر یک از آن‌ها روش خاص خودش را می‌طلبد؛ مثلاً

شاگردی داشتم که ناشنوا بود و من همیشه جواب سؤال‌اش را برایش می‌نوشتم یا شاگرد دیگری داشتم که مشکل بینایی داشت و با رنگ ماوسی که در کلاس استفاده می‌کردم، مشکل داشت و من به‌خاطر او ماوسم را تغییر دادم. همیشه سعی می‌کنم شرایط شاگردانم را بشناسم و با آن‌ها هم‌زادپنداری کنم. همچنین سعی می‌کنم به شاگردانم کمک کنم تا واقعیت خودشان را بپذیرند، زیرا اعتقاد دارم که پذیرفتن واقعیت به معنی طی کردن نیمی از راه است. همیشه در کلاس‌هایم از خودم مثال می‌زنم و می‌گویم بچه‌ها! ببینید شرایط من به‌گونه‌ای است که برای نشستن روی ویلچر، به بستن کمربند نیاز دارم و این نه‌عیب است و نه‌عار؛ زیرا خداوند مخلوقات متفاوتی دارد. سعی می‌کنم اخلاق و علم را در کنار هم به شاگردانم بیاموزم و برای آن‌ها گاهی مربی، گاهی دوست و گاهی حسابرس باشم.

### ● اهمیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و دلایل پرداختن به آن برای معلولان

او اضافه می‌کند: اگر بار علمی بچه‌های دارای معلولیت زیاد باشد، کارفرما تنها چیزی که نمی‌بیند، معلولیت آن‌هاست. یکی از دوستانم برایم تعریف می‌کرد که زمانی قرار بود برای کار به شرکتی برود و نمی‌توانست با ویلچرش از ورودی شرکت عبور کند. کارکنان شرکت وقتی این وضعیت را می‌بینند، به‌دلیل اینکه به اطلاعات علمی او نیاز داشته‌اند، در عرض ۱۰ دقیقه با آچار و پیچ‌گوشتی پارتیشن‌هایی را که مزاحم تردد او بود، از جا درمی‌آورند. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به معلولان کمک می‌کند تا جایگاه اصلی خودشان را در بازار کار به‌دست آورند و در صورتی که پشتکار لازم را به خرج دهند، در این بازار تثبیت می‌شوند.

### ● مثل یک باغبان هستم

توکلی می‌گوید: دستاوردی که پس از سال‌ها زندگی با معلولیت به من اضافه شد، این بود که مرا تبدیل به کسی شبیه به یک باغبان کرد. قبل از معلولیت، تنها خودم را می‌دیدم و تنها برای

خودم پله می‌ساختم اما حالا شرایط جسمی، روحی و اقتصادی یک جمع را در نظر می‌گیرم و افق دیدم در این سال‌ها گسترده‌تر شده است.

این فعال حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ادامه می‌دهد: تمایل به نوشتن، پیش از معلولیت در من وجود داشت. گاهی کتاب‌هایی در زمینه اصول نگارش و داستان‌نویسی می‌خواندم یا در کارگاه‌های یک یا دو روزه شرکت می‌کردم و مطالبی می‌نوشتم اما پس از معلولیت در سال‌های ۸۵ تا ۸۶ همه آنچه آن زمان در حوزه کامپیوتر به شاگردانم آموزش داده بودم، به‌صورت جزوه درآوردم و چند سال بعد این جزوات در قالب یک کتاب به نام «مبانی تدوین و تدوین کامپیوتری» تنظیم شد که اولین اثر من بود. در زمینه رمان‌نویسی نیز بیشتر به‌دلیل تمایلات و سابقه مذهبی‌ای که با آن بزرگ شده بودم، به این مسیر روی آوردم و یک رمان دوجلدی به نام‌های «آغاز در بی‌نهایت» و «تنها تا نقطه صفر» را به رشته تحریر درآوردم. «آغاز در بی‌نهایت» داستان فردی است که بازتاب اعمال خیرخواهانه‌اش، در جهان آخرت به او بازمی‌گردد و «تنها تا نقطه صفر» داستان فردی است که در زمان حیاتش از راه راست، منحرف شده است. کتاب دیگری نیز به نام «من و توان‌یابان» تألیف کرده‌ام که به‌خاطر من و دانش‌آموزانم در این سال‌ها مربوط می‌شود.

### ● پیشنهادی برای تمامی معلولان

توکلی در پایان بیان می‌کند: اگر زندگی با شما سرسازگاری ندارد، شما با زندگی سازگار شوید تا آن را به نحو مطلوب تغییر دهید. وقتی یک چوب به‌سمت شما در حال حرکت باشد و شما بخواهید جلوی حرکت آن را با دست سد کنید، بالاخره یک روز خسته خواهید شد و چوب دوباره به‌سمت شما حرکت خواهد کرد، پس بهتر است کنار چوب بنشینید و آهسته‌آهسته به آن ضربه بزنید تا از مسیرش خارج شود. اگر شما خانه‌نشینی را انتخاب کنید و در چرخه جامعه نباشید، همواره بار جامعه خواهید بود اما وقتی در چرخه جامعه قرار بگیرید، حتی اگر یک درصد کار مفید انجام دهید، تبدیل به یار جامعه خواهید شد.







اکران دومین فیلم مناسب سازی شده برای نابینایان به کوشش گروه سوبنا (سینمای ویژه نابینایان)



بازدید فعالان و تشکل های افراد دارای معلولیت به مناسبت روز خبرنگار از روزنامه شهر آرا